

# طنین

دوشنبه دوازدهم آذر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی

## سرگذشت روابط اعراب با انگلستان

در صفحه ۸

## کولاکی که مائو بر پا کرد

در صفحه ۸

# گامی در انقلاب مبارزات ضد امپریالیستی

انقلاب یعنی واژگونی و ملیتی که انقلاب می کند، به پای خیزد و چون سیل بنیان

نوع و سابقه روابط خود با آن آثار و علامت بیندیشد و بی آنکه این آثار و علامت را سنگین و سبک کند و مال اندیشانه به میزان احتیاج خود به ابزار و قوانین و مقرراتی که زیر پا می نهد برای فردای دوران سازندگی پس از انقلاب فکر کند، مثل سلیبی

### اسلام کاظمیه

می توانیم بگوئیم انقلاب یک زایش است، زایشی تاریخی که نطفه آن از خون و پلشتی های داخل یک رحم بسته تغذیه کرده و کم کم جان گرفته و رشد یافته و دیگر به مرحله ای از

## برای خواهرم «انجلادیویس» در بین الملل دروغ و ستم

علی اصغر حاج سیدجوادی

در دیماه ۱۳۵۶ وقتی که در ایران خشونت حکومت شاه علیه مردم انقلابی ما به اوج خود رسیده بود و در امریکا نیز خانم انجلادیویس آزادیخواه سیاهپوست، علیه خشونت سفید پوستان نژاد پرست و حکومت امریکا با گفتار خود مردم جهان را بر می انگیزد، علی اصغر حاج سیدجوادی نامه ای به انجلادیویس نوشت که در ایران و خارج از ایران دست به دست می گشت. امروز که مردم ما نیز مستقیماً با حکومت امریکا طرف است خلاصه ای از آن نامه را به نظر شما می رسانیم که شاید اصل آن را ندیده باشید.

و تو ای خواهرم وقتی از آن گوشه از قلمرو بین الملل دروغ و ستم از حقوق انسانهای سیاهپوست سخن میگوئی ما را فراموش مکن هم چنان که ما هرگز حتی را که تو و برادران و خواهران سیاهپوست آمریکائی ما بزندگی دارید از یاد نمیبریم. که اگر دروغ و ستم در دوران ما به صورت یک قاعده و نظم جهانی در آمده است به تلاش برای رهایی از چنین دروغ و ستم نیز

## ماوقانون اساسی

دکتر ناصر کاتوزیان

### تذکری چند درباره اصلاح قانون اساسی حاضر

با اینکه در هیچ نشریه ای به اندازه جنبش درباره پیش نویس قانون اساسی بحث نشده و نهاد های گوناگون آن، مانند شورای نگهبان و ولایت فقیه و رابطه آن با حاکمیت ملی، مورد مطالعه قرار نگرفته است، باز هم خوانندگان آگاه و باریک بین از ما می خواهند که نظر خود را به گونه ای قاطع و روشن درباره طرح مجلس خبرگان و نقائص آن و اموری که نیاز به تجدید نظر و اصلاح دارد بازگو کنیم. این خواسته کاملاً بجای و مورد تشکر ما است. به ویژه، اکنون که وعده داده شده است با پیشنهاد و تصویب متممی بر قانون اساسی این نقائص جبران می شود، بر ما است که پیشنهاد های خود را ارائه کنیم و انتظاری را که انقلاب و مردم ما از قانون اساسی «جمهوری اسلامی» دارند باز نمانیم.

حقوقی و فنی را در آن ندارد. آنچه را باید در زمان خود، گفتیم و برای نمایندگان فرستادیم و از این حیث در وجدان خود احساس قصوری نمی کنیم. خدا کند آنان که شنیدند نیز در وجدان خود احساس آسودگی کنند که همه نظر ها را شنیدند و بهترین را برگزیدند. اکنون نیز اصلاحات مهمی را که انتظار داریم در قانون اساسی انجام شود، با توجه به متن تصویب شده در مجلس خبرگان، یادآور می بقیه در صفحه ۵

## توافق بر حداقل، یک ضرورت یا یک انتخاب

افشین داور

در اوضاع و احوال فعلی بهتر است به تحمل عقاید دیگران بیندیشیم، نه تحمیل عقاید خود به دیگران

قدرت وحدت ملی را یکبار دیگر نیز در سال گذشته شاهد و ناظر بودیم. وقتی که، برخلاف تمام اطلاعات و معادلات، ملتی مقهور توانست شاهی نیرومند و متکی به انواع حمایت های خارجی و بهره مند از شبکه ای گسترده از دستگاههای امنیتی - نظامی داخلی را به فضاقت سرنگون سازد. بقیه در صفحه ۷

حادثه ای اشغال سفارت امریکا در تهران متضمن درسهای آموزنده است. بطور اجماع یک پارچه ای یک ملت قدرت آفرین است. حتی در عرصه ای بین المللی - که ادعای کنند ایران حقوق و عرف مربوط به آن را زیر پا گذاشته است -

## ما به پای صندوق رای می رویم اما...؟

بالتکلیف تا کتون نویسندگان و کارشناسان «جنبش» در قالب مصالح انقلاب عظیم مردم ایران و چهارچوب جمهوری اسلامی ایران بهترین تلاش تحقیقی و تحریری را علانندانه انجام داده اند و از نحوه تشکیل مجلس خبرگان تا حوزه مباحثات آنان و یک یک موارد و مواد قانون اساسی در زمینه های حقوق اساسی، حقوق انسانی و مسائل اقتصادی و اجتماعی نظر صریح «جنبش» را اعلام داشته اند هنوز گروههای زیادی از هموطنان و دوستان جنبش نظر نهائی ما را طی اعلامیه ای تا پیش از رای گیری فراموش خواستار میشوند. ما اعلام می کنیم که هنوز تمام موارد انتقادات ما و مردم واقع بین انقلابی ما از آخرین پیش نویس قانون اساسی رفع نشده است و ما احساس می کنیم که در صورت تثبیت این متن، نسل ما نخواهد توانست جوابگوی نسلهای آینده باشند.

- ۱- در زمینه حق حاکمیت ملی در متن قانون اساسی تضاد عمیقی وجود دارد.
- ۲- در زمینه برابری حقوق زن و مرد مواد قانون اساسی فعلی متناقض است.
- ۳- مساله مالکیت و مسائل بنیادی نظام اقتصادی در این قانون دارای ابهام است.
- ۴- مساله ولایت فقیه به اعتبار وجود و نیروی استثنائی چانه و رهبری امام خمینی قابلیت تمسیم و تسری به

## تصمیم گیریهای سیاسی و روحانیت

پیش از هر تصمیم گیری سیاسی باید به چه عواملی و چگونه اندیشید؟

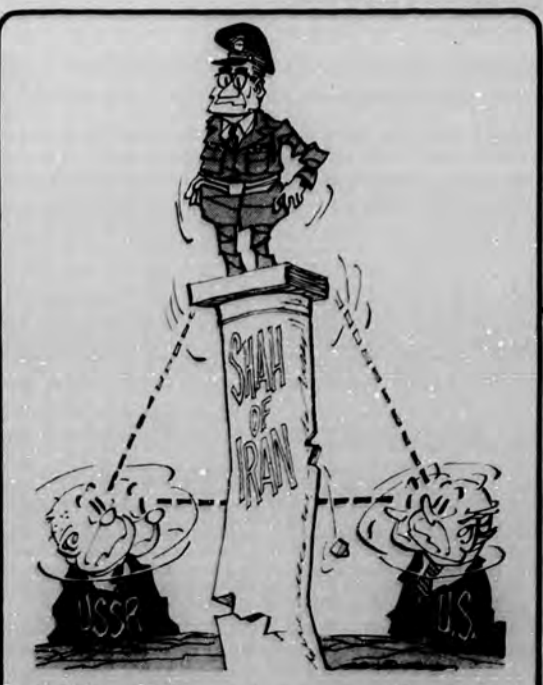
ابوالفضل صادقیپور دانشیار رشته امور دولتی دانشگاه

عصر حاضر را به جهانی عصر دانش و جامعه راجعه دانشمند نامیده اند. علت این نامگذاری این است که پیشرفت در علم و تکنولوژی به حدی رسیده است که هر

## کی راه صحیح و منطقی مبارزه را بازمی یابیم

اگر برآستی وسعت و عظمت آنچه که در طول یکسال اخیر در این کشور اتفاق افتاده است درک میکنیم در تقویت و گسترش آن با همه نیروهایمان، علیرغم روش های متفاوت اجتماعیمان بکوشیم.

ارزیابی ارزشها تنها از راه مقایسه انجام میگردد و مقایسه دو ارزش با هم تنها در محدوده منطقی نموده زمان و مکان امکان پذیر است. بعلاوه دو ارزش وقتی



۵۰ سال پیش که اولین مجسمه باین امد این کارکنان در مطبوعات غربی چاپ شد حاکی از نگرانی اینکه ستون بر سر کدامیک از دو ابرقدرت فرود خواهد آمد و امروز.....

گامی در الفبای مبارزات ضدامپریالیستی بقیه از صفحه ۱

خواهد به دنیای روشن خورشید و ماه قدم گذارد و دهن به شیر سفید و پاک آشنا کند.

دربین حرکت زایش مادر که تاریخ است فراموش نکنیم و پیش درد و التهاب او را، و آنچه پس از تولد نوزاد بر تخت زایمان می ماند که اگر تا دیروز منبع تغذیه نوزاد بود، امروز جز آفات پستی ها چیزی نیست، با وزنی و حجمی بیش از حجم و وزن نوزاد.

نقش قابله و دستیاران و خدمه زایش جدا کردن رشته حیات و جسم نوزاد از... آنهمه پستی هاست، و در جریان انقلاب یک ملت و زایش فرخنده تاریخ یک ملت، قابله و دستیاران و خدمه همان رهبران مورد اعتماد مردمانند که جانی تازه یافته اند و به دنیایی تازه قدم گذاشته اند.

در لحظه های پس از حمل، جان نوزاد و سلامت مادر که تاریخ است و جلوگیری از مرگ و بیماری آن یا عقیم شدن و ضعف این دردست قابله و دستیاران است، اینان هر چه مجرب تر، هر چه مال اندیش تر و هر چه کاراشارت باشند و هوشیارانه عمل کنند و محیط را از شر میکربها و آفات منزله تر کنند، مادر و فرزند سزونی روشن تر و جسم و جانی سلامت تر خواهند داشت.

لحظه های اخیر تاریخ ایران آستان فرزند توامان بود. فرزندان ضداستبداد و ضداستعمار. حمل اول را بنام درد و رنجش بر زمین نهاد و درگیرودار حمل دوم است. فرقابلگان و دایگان مباد که سرگرم دومین شوند و سلامت اولین را فراموش کنند.

برای حفظ نوزاد افسانه های آل و جن، پری و بی وقتی و نظرقربانی عقیده های فرهنگی است که از دوران جهل بوجود میکرب و ویروس و آلودگی مانده است.

دنیای امروز، دنیای اعداد و ارقام و علم و معادلات پیچیده به دقت ریاضی است. مردم ما با انقلاب خود از دنیای تنگ و تاریک و بسته به جهانی روشن و تازه قدم گذاشته اند، هوای آزاد برای تنفس می خواهند و محیط پاک از آلودگیها تا رشد کنند و بیالند و زندگی را بسازند.

در این لحظه دیگر وظیفه رهبران است که این موجود زنده را با دقت علمی و دلسوزی از شرافات شناخته شده حفظ کنند.

استعمار قواعد و قوانین و شرکدها و نیرنگهای خود را دارد. باید سلاح حریف را شناخت و به سلاحی متناسب با او به جنگ رفت. باید ظرفیت خشم و کینه ی مردم را نسبت به استبداد و استعمار و آثار و علائم آن شناسایی کرد تا این نوزاد را از شر چشم بدصنون نگه داشت.

در بین الملل دروغ...

بقیه از صفحه اول

خصوصیات کنونی دوران ما این مفاهیم را از محدودی های سنتی و قدیمی ملی خود بدر آورده و بدانه هویتی جهانی بخشیده است.

خواهرم... آیا در میان این جنگل انبوه گیرنده و فرستنده ها و ماهواره های مخابراتی که در بین الملل دروغ و ستم وسیله تحریف حقایق و دروغ پراکنی و تهمت زنی چهاران زور گوی دوران ماست صدای ما بگوش تو میرسد؟

صدای یک ملت مظلوم و ستمدیده و غارت زده را میشنوی؟ آیا ماهواره های جاسوسی و مخابراتی آمریکا که کوچکترین حرکت انسانها و اشیاء را از هزاران متر فاصله در فضا ضبط میکنند، منظره خیابانهای قم و تبریز و قصابی صفا مردم بیگناه بدست ماموران پلیس را برای تو بازگو کرده اند و تو از سیاهالیهای سازمان امنیت آنها که در زیر پوشش حقوق بشر و عدالت شاهنشاهی و دموکراسی رسناخیز هزاران جوان را بعد از شکنجه های هولناک بدون کوچکترین حمایت قانونی زنده بگور میکنند چه میدانی؟ و تو از صحنه های فساد و دزدی و غارت دکان مردم و هجو می که ما قلب اراده و ایمان انسانهای... در زمین ما ادامه دارد چه اطلاعی داری؟

و تو از اینکه بدانی که سرنوشت میلیونها انسان به حال و آینده میلیونها انسان، حقوق زندگی و خانه و مدرسه و کارخانه و زایشگاه میلیونها انسانها بدست یک نفر و در بددلت اراده بکنفر اداره میشود چه اساسی بتو دست میدهد. و خواهرم... همانگونه که از تو انسان ساهبوست و میلیونها ساهبوست آمریکا که در بین الملل دروغ و ستم موجودی وحشی و بی فرهنگ و اهل تجاوز ساخته اند، ما میلیونها انسان سفید پوست نیز در نظام ارزشهای جبار و ظالم کشورمان مردمی معرفی شده ایم که بخاطر پسرهای و فقر و بفرهنگی و نادانی نسبت به آداب رقصیدن و دروغ گفتن و زنده شدن و ستی کردن و عشق بازی، نمودن هرزگی و دلالی و پا اندازی کردن، استحقاق آزادی و دموکراسی ندارند. آزادی و دموکراسی برای گروه حاکمه است که به اینگونه آداب آشنای کامل دارد، مخصوصاً قصر نشینان و صدر نشینان است نه مخصوص رعایای که جز اطاعت و سکوت و بندگی و نپایش و ستایش وظیفه دیگری ندارند خواهیم آنها شنیده ای که در قرن بیستم در دنیا سرزمینی وجود داشته باشد که مردم آن هیچ حقی نه بر زندگی و خانه و مدرسه و خیابان بلکه بر سوال و پرسش از کسانی که از صبح تا شب با اموال و ثروت حاصل کار آنها مفت و مجانی زندگی میکنند و از مزایای زندگی هزار و یکصد دوران های هارون الرشید و تمامی هارون الرشیدهای تاریخ استفاده میکنند. اما نه اینکه اجازه اعتراض و سوال بمانندند بلکه حتی حقی برای ما قائل نیستند. آری خواهرم اگر شما میلیونها ساهبوست آمریکا در بین الملل دروغ و

حرکت در آوردن افکار عمومی غرب به سودحقیانیت مبارزات ضدامپریالیستی خود بهره برداری کنیم و از داخل نیز دشمن را در محاصره قرار دهیم و این همه میسر نمی شود مگر با گشاده مشربی و دوری از انحصارطلبی خرده قدرتهای اطراف رهبری انقلاب.

باید از تمام وسایل امروزی و دقیق و حساب شده تبلیغاتی و اقتصادی و اجتماعی جهان امروز برای به زانو در آوردن غرب امپریالیست بهره جوینیم تا بتوانیم این نوزاد انقلاب را سلامت از دست مرگ برهائیم چون با توجه به تجربه ای دوساله ای انقلاب می دانیم که در شرق خیری نیست.

جنبش صاحب امتیاز: مبعوثه، کیان - کاتوزیان سردبیر: اسلام کاظمیه صفحه آرائی: حبیب مفتون

میگوید: راه سومی وجود ندارد، با ظالم باید دست از ظلم بکشد و با مظلوم باید زیر بار ظلم نرود. مظلومان نظیر از جان باختگان دم و دلبران تیریز با چنگ و دندان از حق و عدالت دفاع میکنند و ظالمان جز گشتن رگیار مسلسل بروی آزاد مردان بی سلاح چاره دیگری ندارند. این راه تاریخ است.

راهی که برای زنده بودن در برابر ظالم جز آماجگی برای مرگ و حرکت در میدان مبارزه چاره دیگری وجود ندارد، ظالم راه خود را انتخاب کرده است و راه او دروغ و شکنجه و کشتار است و آیا برای ما راهی جز شهادت و مرگ سرخ باقی مانده است؟

قیام مردم شجاع و تهریزه بدینال جنبش آزاد مردان وقفه این حقیقت را داشت که قانون و نظم برای ظالم وسیله ای جز نابود کردن قانون و تحصیل نظم که حامی منافع گروه حاکمه است نمیداشت، آنجائی که قدرت حاکم با وجود سونگی که در قانون اساسی برای حفظ آزکان مشروطه خرده است اصول قانون اساسی را زیر پا میگذارد

دیگر حقی برای حکومت بر مردم و تکلیفی برای مردم جهت اطاعت از حکومت ظلم باقی نمیگذارد، قتل عام وقفه و تهریزه بار دیگر ثابت کرد که وحدت همه نیروهای معتقد به آزادی انسانی و استقلال ملی تنها وسیله ای است که صیانت وجود و اجرای دقیق یک قانون اساسی مردمی را تضمین میکند. چنانکه تصمیم قدرت چارستان میدهد بهمه این کشتار به نسبت گسترش زمینه اعتراض مردم روز بروز وسیعتر میشود، زیرا قدرت حاکم تا امروز در برابر خواسته های قانونی مردم جز دروغ و تهمت و گلرله و زندان جبری انداخته است و ما هم چنان نه طالب خشونت و بی نظمی بلکه خواستار حقوق قانونی و آزادهای اساسی انسانی خود هستیم. ما طالب کنار رفتن غرورکهای حاکم و منصوبی هستیم که نام دولت نقشی جز اطاعت و تطمیع و تلق و دروغگویی ندارند، ما خواستار اجرای اصول قانون اساسی در مرفی ترین و متحول ترین صور تاریخی و انسانی آن هستیم. ما خواستار لاف کله فرامین کنسی و شفاهی ظالمانه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هستیم، ما خواستار محو کلیه سازمانهای ستم حاکم که وظیفه ای جز پاسداری از قدرت حاکم از راه اعمال و خشونت ندارند. ما طالب شرکت واقعی اکثریت مردم ستمدیده کشور در سرنوشت خویشیم و در فرصتهای باطل و با فقر، اجتماعی و اقتصادی کشور خود هستیم. ما طالب آزادی خلاص جهت رشد حیثیت انسانی و شکستن استبدادهای بشری هستیم، ما خواستار حکومتی هستیم که مدعی استقلال واقعی وطن ما از طریق انبار کردن سلاحهای بیگانه و وابستگی به سیاستهای بیگانه بطور معکوسه و کتاب نشاد، بلکه نیروهای اخلاقی و معنوی توده های مردم را از راه توزیع عادلانه فرصت و برخورداری از آزادی واقعی و شرکت در سرنوشت سیاسی و اجتماعی پشتوانه های دفاع از استقلال ایران در برابر هجومهای نظامی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بیگانه قرار دهد.

آری خواهرم... میلیونها انسان این چنین آرزو نموده، اکنون در جبهه نبرد سرنوشت قرار دارند، میلیونها انسانی که در جبهه معنوی و اخلاقی و فساد و تهاپی نظم حاکم گرفتارند و از بیرون با چنگ و دندان از هستی و موجودیت انسانی خود برای رخنه در یکی از سیاهترین و هولناکترین اداره های بین الملل دروغ و ستم دفاع میکنند، او اگر صدائی از فریادی از مظلوم ما در آن سوی دنیا شنیده این صدا را با خروشی رساتر به گوش هم وطنان خود برساند و به آنها بگوید که در جنگال سیاست پیشگان و تجارت پیشه گان بین الملل دروغ و ستم تنها ساکنان آمریکائی نیستند بلکه میلیونها سفید پوست دیگر نیز در اینسوی جهان نه لفظ حقی برخانه و خاتراده و خیابان و کارخانه و مدرسه ندارند بلکه رعایای هستند که با تمامی ترسها و در آمدها و امکانات ملای خوش یک جا بسود گروه حاکمه خود مورد معامله قرار میگیرند.

توضیح درباره جنبش دوران مخفی... در مقاله شماره پیش که به مناسبت انتشار دوره جنبش دوران مخفی داشتیم اشاره به علت اشتباه نام همکاران در چاپخانه جا افتاد که از روز اول انتشار جنبش پیوسته به رایزنی او در کارها و به یاریهایش در تحقیقات و نوشته ها متکی بوده ایم.

دکتر ناصر کاتوزیان پیوسته صحیحانه در کنار جنبش بوده است و از نوشته های ایشان چه در دوران مخفی و چه در این دوران پیوسته استفاده کرده ایم و خواهیم کرد. هیئت تحریریه

# عاشورا



عاشورا تجلی گواهی و شهادت بر علیه جهل و فریب است که مردی آگاه و انقلابی برای از بین بردن ریشه جهل و نادانی که از رهگذر نظام دجالی بر خلفهای محروم و مظلوم تحمیل شده بود به شهادت برخاست تا بند دیگری از بندهای اسارت بار را پاره کند. او برای رسیدن به آزادی آگاهی را مهم و ضروری می دانست، در دیدگاه انقلابی او آگاهی بهمان اندازه مهم و با ارزش بود که آزادی از اهمیت مهمی برخوردار بود و جهل و بی فرهنگی را شکلی دیگر از بردگی و استبداد می دانست. مرد اهمیت و مهم بودن آگاهی را در مسیر تکاملی زندگی عمیقاً درک می کرد. و در واقع هیچ حد و مرزی را میان آگاهی و آزادی نمی پذیرفت. در اعتقاد او آگاهی و شناخت نسبت به جهان هستی و زندگی و نیز کشف قوانین آن یکی از مهم ترین رموز موفقیت و پیروزی انسان بشمار می رفت که فقط با مجهز شدن به آگاهی و شناخت است که انسان می تواند به جوهر و کیفیت هستی و نیز به ماهیت واقعی خود پی ببرد تا در نتیجه خود را با حرکت تکاملی جهان تطبیق دهد. و مرد بخاطر چنین شناختی از ماهیت هستی و حقیقت انسان که باید آگاهانه در مسیر زندگی گام بردارد و نیز آگاهانه دست به انتخاب زندی و ناطیعت تمام با جهل و نادانی و فریب به مبارزه برخاست، که تا آشنایی با از هرگونه نقطه نظری ارتجاعی که ریشه در فرهنگ دجالی دارد راهی نباشد و تا یازدهمین و پاره نمودن بند جهل، هر انسانی آگاهانه سرنوشت خود را، خود خلق کند و همچنین برای همیشه فرهنگ دجالی که خون خلفا را در طول تاریخ می مکشد از صحنه زندگی محو شود. مرد که مسئولیت را زایده دانست و شناختی از ماهیت شهادت را انتخاب نمود تا همه آستانهای محروم را که قربانی جهل و فریب شده اند با سلاح آگاهی مسلح کند که با اتکاد و توسل به چنین سلاحی هر انسانی بتواند محیط پراسون خود را آگاهانه شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و نیز در حوزه چنین شناختی موفق به ارزیابی دقیق مبارات حق و باطل گردد! آگاهی و آگاهی دیگر سلطه فرهنگ دجالی که همواره در طول زمان آستانها را

نا آستانها را از هرگونه بهره کشی و روابط استثماری آزاد سازد. استثمار که پدیده ای تاریخی است فقط با مبارزه ای اصولی و زیربنایی قابل حل است که مرد با تمام امکاناتش برای نفی و نابودی استثمار به سکوت و خاموشی در برابر اینهمه فاجعه می توانست مورد تائید قرار گیرد. آگاهی که زندگی را جز عقیده و جهاد چیز دیگری نمی فهمد می تواند در برابر جهل و نادانی توده ها که اکنون بهین دلیل باز به دست قدرتمندان و جاه طلبان شده اند مهر سکوت و خاموشی بر لب زند؟ هرگز! او انسانی است آگاه و آزادگونه که برای رهایی انسان از بند جهل و فریب سلاحی جز شهادت ندارد و برای به آگاهی رساندن توده های محروم و ناگناه از هیچ روشی و تلاشی فرو گذار نمی کند و او که انسان را در آگاه بودنش معنی می کند چگونه می تواند در برابر جهل و ارتجاع به قیام و مبارزه برخیزد. مرد بدور از هرگونه توجیه و ترس و وحشت تصمیم انقلابی خود را گرفته است و می رود تا برای نابودی ارتجاع و فرهنگ دجالی و نیز برای تحقق فینگی انقلاب و حرکت آفرین و تکامل بخش، گواهی و شهادت بدهد.

عاشورا بیانگر انقلاب و عصیان بر علیه طبقات استثمارگر است که مردی خوشان و خشمگین و عاصی بجهت زمان با اندیشه ای در آرزوی نجات خلفا از بردگی و استثمار و برای ایجاد جامعه ای بی طبقه و بدور از هرگونه بهره کشی و استثمار انسان از انسان به گواهی و شهادت برخاست

عاشورا بیانگر انقلاب و عصیان بر علیه طبقات استثمارگر است که مردی خوشان و خشمگین و عاصی بجهت زمان با اندیشه ای در آرزوی نجات خلفا از بردگی و استثمار و برای ایجاد جامعه ای بی طبقه و بدور از هرگونه بهره کشی و استثمار انسان از انسان به گواهی و شهادت برخاست

## جنبش

# نفت و سیاست امریکا

فرشید - وهاب زنجانی

انرژی و نقش اساسی آن در سیاست توسعه طلبانه امپریالیسم امریکا و بحران اقتصادی که کمبود انرژی برای امریکا بوجود آورده بن بست سیاسی و اقتصادی امریکا موضوع مشکل انرژی را محسوس تر کرده است و برای این کشور راهی جز چاره اول منابع عظیم انرژی کشورهای خارجی نگذاشته و همچنین که هر روز اثرات این خط مشی سیاسی امریکا در یک گوشه از جهان با عکس العمل شدید توده های تحت استثمار روبروست.

این هفته در رابطه با بحران انرژی در امریکا مقاله ای در هفته نامه نفت و گاز مورخ ۱۲ نوامبر ۷۹ منتشر گردید که در ذیل عین ترجمه آن آمده است.

### تزلزل سیاسی:

بعد از ماهها که از بحث وجدل در مجلس نمایندگان امریکا میگذرد - هنوز سیاست خاصی برای مقابله با بحران انرژی اتخاذ نشده و اعضای مجلس نمایندگان و کارتر قبول کرده اند که بحران انرژی اجتناب ناپذیر بوده و عامل بوجود آورنده آن نیز سیاست خود آنها بوده است.

اکثریت اعضای مجلس نمایندگان امریکا بر این مسئله اتفاق نظر دارند که در ۱۰ سال آینده نه فقط امریکا دچار بحرانیهای شدید سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، که عامل بوجود آورنده آن انرژی است خواهد شد بلکه قادر به پیش گیری و مقابله با آن نیز نخواهد بود.

بر این اساس طبق یک نظرخواهی که از اعضای مجلس نمایندگان در رابطه با بحران انرژی بعمل آمده - هفتاد و هشت درصد از نمایندگان این را قبول داشته اند که کمبود انرژی مهم ترین مسئله برای ایالات متحده امریکا بوده و از حساسیت خاصی در سیاست خارجی امریکا برخوردار است. در حالی که دوازده درصد، چنین اهمیتی به بحران انرژی نداده و ده درصد بقیه در این مورد نظری نداشته اند؟! در رابطه با مسائل سیاسی و اجتماعی امریکا، بیست و سه درصد از اعضای مجلس نمایندگان، بحران انرژی و تاثیر آن بر مشکلات سیاسی کشور را اجتناب ناپذیر دانسته اند در مورد شانس موفقیت امریکا در غلبه بر این بحران، چهل و سه درصد از این نمایندگان بر این عقیده هستند که این کشور قادر به مقابله با این بحران نبوده و شانس کارتر جهل و یک درصد خواهد بود. ولی بنظر میآید که برای جمل بحران انرژی، کارتر اشتباهات مشخصی را تکرار میکند که باعث نگرانی هائی برای جمهوریخواهان در سال ۱۹۸۰ در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری خواهد شد.

کارتر اخیراً اعلام داشته که هیچکدام از روسای جمهور قبل از حزب دمکرات از زمان لیندون جانسون، چنین برنامه جامعی که من در مورد خط مسئله انرژی اجرا نموده ام، نداشته و کارهایی که بخیرصورت در ۳ سال گذشته انجام شده بسیار چشم گیر بوده است. سناتور ایالت آرکانزاس (پریور) از دولت کارتر درخواست کرده است که سازمان انرژی از سیاست کاری خود او را مطلع کند.

کمیته های فرعی که فعالیت آنها وابسته به سیاست دولت است، اخیراً مبالغ هنگفتی را برای مشاوره با مسئولین غیر دولتی پرداخته اند. مثلاً مبلغ ۱۵۰۰۰۰ دلار برای آموزش کارمندان سازمان انرژی در جمع آوری اطلاعات و وسایط. ۹۵۰۰۰ دلار برای گرفتن اجازه تأسیس نیروگاهها و ۷۵۰۰۰ دلار بودجه برای رسیدگی و بررسی پیشنهادات انتقادی در مورد اولین طرح استفاده از انرژی خورشیدی. در این مورد باید گفت که مبلغ ۱۰۰۰۰۰ دلار بیک کمپانی داده شده است که یک مرکز انرژی خورشیدی برای تولید آب گرم ایجاد کند که فقط یکطرف در این موسسه تجربه انجام چنین کاری را دارد؟! نکته جالب اینکه سازمان انرژی امریکا خود با هدر دادن مقدار زیادی پول و انرژی درصدد بازداشتن دیگران از ائتلاف انرژی است.

سناتور کندی و فرماندار براون - در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال آینده سیاست های نفتی خود را اعلام کرده اند.

کندی در ارائه سیاست نفتی خود درخواست کرده است که قیمتهای نفت از طرف دولت تعیین شود و اگر کمپانی های نفتی آنرا نپذیرفتند باید دولت اعمال نفوذ کند. از طرف دیگر کارتر درخواست کرده است چون تورم به بالاترین حد ممکن رسیده و بسیار خطرناک شده است. و چون این افزایش قیمت نفت توسط کاخ سفید بوده، کاخ سفید خود در برگرداندن قیمتهای نفت اقدام کند.

آقای براون از سازمان ملی انرژی درخواست کرده که واردات نفتی را خود کنترل و بدست گرفته و قبل از اینکه جهان در مورد واردات نفتی ما تصمیم بگیرد باید ما خود این نقش را در سیاست نفتی داشته باشیم چرا که تحول اقتصادی امریکا بیشتر توسط سرمایه داران بین المللی هدایت میشود تا امریکائی ها.

## رضاستان

### راهی برای رسیدن به خود کفائی

بود و این هم در شرایطی انجام شد که نه تنها به تولیدات مواد غذایی خود اضافه نکردند بلکه با افزایش روز افزون جمعیت علا ما با کمبود مواد غذایی نیز روبرو گشتیم.

مرد آنکه خانواده های روستائی با ترک محل سکونت خود در روستا عملاً باعث نقصان در تولیدات کشاورزی شدند بدین شکل که هر خانواده روستائی در محل زندگی خود علاوه بر زمینی که روی آن کار میکرد مبادرت به نگهداشتن اقسام و ماکیان نیز مینمود بدین معنی که در هر خانواده لااقل برای تغذیه خود خدای گاو و گوسفند و مرغ و خروس و امثال آن نگهداری میکردند که از این طریق نه تنها می توانستند برای خانواده های خود غذا تهیه کنند بلکه مقداری هم جهت فروش به بازار عرضه مینمودند که ما ساکنین شهرها هنوز مزه تخم مرغهای زمینی را بیاد داریم. البته در مقابل اینکار توسعه مرغداری ها و ایجاد گاو دارها به اشکال امروزی انجام گرفت ولی افسوس که اینکار با مرگ کشاورزی سنتی همراه بود و علاوه بر آن چنین مراکز شیو تسهیل در عرضه مواد تولیدی خود اینگونه اماکن را در کنار شهرها تأسیس نمودند که باز باعث آن شد که نه تنها مهاجرت را تسریع نمایند بلکه بواسطه آشنا شدن خانواده های روستائی با چانه های زندگی شهری تجلات شهر نشینی آنها نیز سرایت کرد و باز باعث افزایش مصرف در این نوع خانواده ها که

رنگ مصرفی یکی از آثار نوم رژیم گذشته بود که برای این ملت اورمغان آورده شد و متأسفانه هنوز هم بین مردم رواج کلی دارد و این فرهنگ تا آنجا گسترش یافته که حتی در خوردن غذا هم اصرار بعمل آمده و میاید و این درست در شرایطی انجام شد که مملکت قادر به تهیه مواد غذایی اصلی برای تغذیه خود نبود که صد البته نابودی کشاورزی با نقشه ای دقیق توسط دست اندرکاران رژیم گذشته تدوین و اجرا شد. به گذشته برمیگردیم، بزمان نهضت ملی ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت که با توجیه به عدم صادرات نفت صادرات ایران نسبت به واردات آن ۹۰٪ (نه درصد) فزونی داشت و این افزایش صادرات بیشتر در جهت مواد غذایی بود یا صادرات دیگر ما نه تنها مواد غذایی برای تغذیه داشتیم بلکه مقداری هم بخارج صادر میکردیم ولی متأسفانه رژیم گذشته با ایجاد صنایع مترتاز که خوراک اصلی آن از خارج تأمین میشد و هم چنین ایجاد مسائل غیر ضروری در بخش دولتی چنان باعث مهاجرت روستائیان به مراکز شهرها و مناطق صنعتی فلانی شد که سطح روستا از سکه خالی گشت و اینکار دو نتیجه بار آورد.

اول آنکه با عزیمت روستائیان به شهرها دیگر خانواده های روستائی عساکه ای به توسعه و گسترش زمین های کشاورزی خود نشان ندادند و حداقل کاری که می توانستند انجام دهند حفظ همان وضع قبلی بود و این هم در شرایطی انجام شد که نه تنها به تولیدات مواد غذایی خود اضافه نکردند بلکه با افزایش روز افزون جمعیت علا ما با کمبود مواد غذایی نیز روبرو گشتیم.

مرد آنکه خانواده های روستائی با ترک محل سکونت خود در روستا عملاً باعث نقصان در تولیدات کشاورزی شدند بدین شکل که هر خانواده روستائی در محل زندگی خود علاوه بر زمینی که روی آن کار میکرد مبادرت به نگهداشتن اقسام و ماکیان نیز مینمود بدین معنی که در هر خانواده لااقل برای تغذیه خود خدای گاو و گوسفند و مرغ و خروس و امثال آن نگهداری میکردند که از این طریق نه تنها می توانستند برای خانواده های خود غذا تهیه کنند بلکه مقداری هم جهت فروش به بازار عرضه مینمودند که ما ساکنین شهرها هنوز مزه تخم مرغهای زمینی را بیاد داریم. البته در مقابل اینکار توسعه مرغداری ها و ایجاد گاو دارها به اشکال امروزی انجام گرفت ولی افسوس که اینکار با مرگ کشاورزی سنتی همراه بود و علاوه بر آن چنین مراکز شیو تسهیل در عرضه مواد تولیدی خود اینگونه اماکن را در کنار شهرها تأسیس نمودند که باز باعث آن شد که نه تنها مهاجرت را تسریع نمایند بلکه بواسطه آشنا شدن خانواده های روستائی با چانه های زندگی شهری تجلات شهر نشینی آنها نیز سرایت کرد و باز باعث افزایش مصرف در این نوع خانواده ها که

زیرا استثمار انجمن بلانی بسرما آورده است که با اصطلاح به نان شب ما را محتاج نموده است ولی در عوض مقداری صنایع مترتاز و تجملی را به ما تحمیل نموده است. باید با جنگ و دندان زمین بچسبیم و با استفاده از تجربه های گذشته هم از طریق استفاده از کشاورزی قدیمی خود و هم با استفاده از علوم جدید و تکنیک های پیشرفته اقدام به افزایش تولیدات مواد غذایی خود نماییم و اینکار با چنان حساسیت دقیق باید همراه باشد که خدای ناخواسته آنچه را که از موهوم دیگر آزمایش نکنیم. بدون هیچگونه تعصب از تجربیات کشورهای دیگر بخصوص کشورهای جهان سوم که در این راه موفقیت هائی داشته اند استفاده کنیم و با یک آموزش وسیع با استفاده از رسانه های گروهی، فرهنگ مصرفی را که خاص جوامع غربی است از خود دور کنیم باید بخاطر داشته باشیم که مصرف اضافی و بیخودی تنها در جهت بکار بردن وسایل و لوازم نمیشاند بلکه در مصرف غذا هم حداقت را نگاهداریم چرا که متأسفانه یکی از عوارض مصرف گرایی کشورهای پیشرفته صنعتی شده است بیماریهای ناشی از پر خوری در سطح چنین کشورهای میباشد و این درست در شرایطی است که بیشتر سکه روی زمین غذا در حداقل آن برای ادامه حیات هم ندارند و اگر به جغرافیای گرسنگی نگاه کنیم توجه خواهیم کرد که کم غذایی و گرسنگی در کشورهای آسیائی، آفریقائی و

کارشناس تغذیه



تاریخی از شکنجه  
جغرافیایی از خون  
جنگی سراسر اندوه  
و یک کتاب پر از تبعید  
با واژه‌هایی از غل و زنجیر  
رزمندگان هرچه زمان را

و خواب سرخ اسیران را  
اشفته می‌کند  
و بر تمامی زنجیریان قرن  
در سایه‌ی قیام و شهادت  
تفسیر کرده‌اند  
انهام و معجزه می‌بخشد  
و سیل آتش و آهن را  
و موج غارت و کشتن را -  
که در مسیر زمان جاری ست

وخیل زنده بگوران را  
فریاد می‌کند که: -

«بپاخیزید  
و هرکجای زمین هستید  
و هرکجای زمان

ایستاده‌اید

که با صدا و عقیده  
به رزم دژخیمان

سلاح برگزیده‌اش  
مگر به یاد نمی‌آوردید  
آن حدیث رهایی را

که: - «زندگی پیکار  
و حمله و رزم است  
در مسیر عقیده»

عقیده‌ای آزاد  
که دشمن جهل است  
و قاتل بیداد

و تیغی شمشیر  
صلای آبادی ست  
وزیر سایه‌ی آن

پارانا

بهشت و آبادی ست  
و مرگ -  
نزد تبار مقدس آدم  
چو زیورست که دوشیزگان

هشدار می‌دهد

که «بودن» را،

محکوم می‌کند

مسرویلید

پارانا

طه حجازی «ح. آرزو»

# با آهن و ترازو

الخیرکله فی السیف و تحت ظل السیف ولا یقیم الناس  
الا بالسیف و السیف مقالید الجنة والنار.  
«پیامبر اکرم»  
کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و کل شهر محرم  
«امام جعفر صادق (ع)»

- به زیبایی -

\*\*\*

نگاه کن ای دوست!  
کجای خاک و زمان ایستاده‌ایم؟  
مگر نه اینکه «محرم»

همیشه جاوید است

و هرکجای زمین «کربلا»یی از رنج است  
و روزها همه «عاشورا»ست.  
ببین چه نزدیکند

دشمنان بشر

به جبهه‌های حقیقت

شروع باید کرد به یورش و پیکار  
\*\*\*

نگاه کن ای دوست!  
صدای کیست که می‌آید؟  
آیا کدام شهیدی ست

فریاد می‌کشد

پژواک بانگهای کدامین امام ملتزمی ست  
که تاریخ قرنهای اسارت را -  
پیوسته می‌شکافد و می‌آید

پیوسته می‌خروشد و می‌گوید:-  
«آنک که جور و جهل  
آنک که زور و زر  
و خدعه و خیانت و تزویر

من مرگ را

بیداد کرده است

و زندگانی را  
با خیل کافران

بی شک ملال خیز و عذاب آور  
- فوج ستمگران -

پارانا

صدا، صدای حسین است  
اما مجال نیست  
«الفرصة تمر مرالسحاب» را،  
باید به یاد داشت.

\*\*\*

پارانا  
زمان حادثه نزدیک است  
هشداریدا

تا طبلسان و تفنگی را،

کز سالهای پیش

به امروز تحویل داده‌اید

به چنگ آورید زود  
زیرا حسین  
با آهن و ترازو

برقله‌ی زمان و مکان ایستاده است  
و شعر سبز رهایی را،  
و شعر سرخ شهادت را،

فریاد می‌کند

و بر تمامی تاریخ

حجت می‌آورد

که به هنگام جور و جهل  
هرکس جهاد کرد

حسینی ست

یعنی که با من است  
و هرکس -  
خاموش و سرد ماند  
بی شک یزیدی است

یعنی رفیق قافله  
اما که رهزن است.  
زیرا که دشمن است.

آنک در این میانه کسی هست؟  
تا کوله بار یآوری من را،  
بردوشهای خویش کشاند؟  
و پرچی که «نصر» و «ظفر» را

برتره‌های محروم

بهرت بشارتی ست

برقله‌ی زمانه برافرازد؟!...

بهاغه «اقتضای مصلحت جامعه» از  
بین رفته است و بایستی اصلاح شود.  
۱۱ - در اصل ۱۶۷ امکان اجتهاد  
و رعایت مصالح عمومی و عرف از  
قاضی سلب شده است. زیرا اگر حکم  
دعوی را در قوانین نیابد بایستی «با  
استناد به منابع معتبر اسلامی یا  
فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر  
نماید در حالی که وجود احکام  
امضایی در قوانین اسلامی نشان می  
دهد که تا چه اندازه اسلام به عرف و  
عادت و ضرورت‌های اجتماعی توجه  
داشته است.

۱۲ - مسئولیت قضات در برابر  
اصحاب دعوی نسبت به تفسیرهای  
غیر عمدی خود، آنان را در وضع  
بسیار دشواری قرار می‌دهد. زیرا از  
سوئی هیچ دادرسی نمی‌تواند خود را  
مصدون از خطا بداند و از سوی دیگر  
موضوع دعوی گاه چندان مهم و با  
ارزش است که از طاقت مالی قاضی  
بیرون بنظر می‌رسد. بنابراین، اصل  
۱۷۱ باید محدود به عمد شود.

۱۳ - برای حفظ حقوق انسانی،  
باید مجازات تابع قانونی باشد که در  
زمان ارتکاب جرم معتبر بوده است.  
یعنی، اگر بعد از وقوع جرم مجازات  
آن شدیدتر شود. مجازات جدید را  
نتوان درباره مجرم اعمال کرد. اصل  
۱۶۹ در این باره ناقص است. زیرا  
بموجب آن هیچ عملی را نمی‌توان بر  
طبق قانون جدید جرم محسوب کرد.  
در حالی که ممکن است عملی در  
زمان ارتکاب نیز جرم باشد ولی  
قانون جدید بر مجازات آن بیفزاید.

## ما و قانون اساسی

بقیه از صفحه اول  
این تعارض را چگونه می‌توان  
رفع کرد که اکثریت قاطع مردم  
بتوانند شرایط رهبری را احراز کنند  
(اصل ۱۰۷) ولی از تیز شرایط لازم  
در رئیس جمهوری عاجز باشند، در  
حالی که احراز شرایط رهبری به  
مراتب دشوارتر و فنی‌تر است؟  
بنابراین، داور صلاحیت و امانت و  
تقوای رئیس جمهور باید خود مردم  
باشند.

۳ - رهبری مذهبی و مرجعیت  
تقلید شیعیان را نباید با امری مانند  
فرماندهی، کل قوا و اعلان جنگ و  
صنع و عزل و نصب رئیس جمهور  
آلوده کرد و مسائلی را به مقام  
روحانی واگذار کرد که در آن هیچ  
تخصصی ندارد. و همچنین، قانون  
اساسی که برای ایجاد نظم و تعیین  
صلاحیت‌ها تدوین می‌شود، نباید  
باعث ایجاد مراکز قدرت گوناگون  
گردد و ماده اصلی نزاع را فراهم آورد.  
۴ - در مورد حقوق ملت و آزادی  
های سیاسی و اجتماعی، نباید حقوق  
و آزادی‌ها منوط به امری قابل  
تأویل و تفسیر گردد تا زمینه سوء  
استفاده را در آینده فراهم سازد. به  
ویژه، باید ترتیبی اتخاذ کرد که حدود  
آزادی‌ها معین و در صلاحیت  
قانونگذار قرار گیرد و قوه مجریه  
نتواند آن را به میل خود تعبیر و اجرا  
کند.

۵ - برای جلوگیری از تکثیر و به

ویژه پرهیز از ایجاد مالکیت های  
بزرگ در زمین های کشاورزی و  
انحصار های صنعتی باید به صراحت  
میزان مالکیت در زمینه های صنعتی  
و کشاورزی محدود به «اضرار به  
منافع عمومی» شود و تعیین این  
حدود به قانونگذار واگذار گردد تا در  
آینده مجلس و ملت ایران بتوانند، با  
توجه به اوضاع و احوال اقتصادی و  
ضرورت های اجتماعی هر زمان،  
مفهوم «اضرار به منافع عمومی» را  
معنی کنند. این مفهوم بطور ضمنی  
در اصل ۴۲ نیز آمده است و باید  
مردم تاکید قرار گیرد.

۶ - اصول موهنی که ممکن  
است برای پیکار مفید باشد یا احتمال  
فایده آن در امور استثنایی می‌رود  
(مانند اخذ ثروت هایی که از راه ربا  
و غصب و قمار و سوء استفاده ها در  
رژیم گذشته به دست آمده و همچنین  
کنترل دارائی رهبر و رئیس جمهور و  
نخست وزیر و خانواده های آنان)  
نبایستی در زمره نهاد های اساسی  
جمهوری اسلامی قرار گیرد. به ویژه  
که، اخذ ثروت های نامشروع، به  
استناد اصل ۳۷ و با ماده واحده ای از  
قوانین عادی نیز امکان دارد.

۷ - بخش دوم اصل ۸۵ با قاعده  
مندرج در بخش نخست آن متعارض  
است. زیرا، اگر قبول کنیم که سمت  
نمایندگی قائم به شخص است و قابل  
واگذاری به دیگری نیست، چه تفاوت  
می‌کشد که تفویض اختیار  
قانونگذاری به فرد معین یا قوه  
مجریه یا کمیسیون های مجلس باشد؟

شوم و خوانندگان کنجکاو و آگاه  
می‌توانند توجه آن را در خلال مقاله  
های پیشین جنبش جستجو کنند. باشد  
که گوش شنوایی پیام ما را بشنود و  
میثاق ملی را به گونه ای مطلوب و  
پایدار درآورد:

۱ - نخستین اصلی که به عنوان  
متمم باید به قانون اساسی افزوده  
شود، امکان و طریقه تجدید نظر در  
آن است. زیرا، هر اندازه در کمال و  
نفوذ این قانون مبالغه شود، هیچکس  
نمی‌تواند ادعا کند که مصون از خطا  
است. به ویژه، نیاز های عمومی و  
ضرورت های اجتماعی گاه چنان  
تغییر می‌یابد که در قانون اساسی  
نیز باید تجدید نظر کرد و آن را همگام  
با وضع جدید ساخت.

۲ - چنانکه اقتضای حکومت  
«جمهوری» است، حاکمیت الهی باید  
از مدار بسته کنونی (رهبری -  
شورای نگهبان - مجلس خبرگان)  
خارج شود و به عموم تعلق گیرد تا  
جایی که نتوان گفت در چهارچوب  
احکام اسلامی مردم حرف آخر را می  
زنند و شیوه زندگی و اداره خود را بر  
می‌گزینند. برای رسیدن به این  
منظور، شورای نگهبان باید از  
صورت کنونی، که شباهت کامل به  
یک ستای پر قدرت دارد، به دادگاهی  
تبدیل شود که تنها وظیفه اش حفظ  
قانون اساسی و نگاهبانی از اصول  
شرعی باشد. در این دادگاه، باید مقام  
های معینی حق اقامه دعوی داشته  
باشند و صلاحیت آن به دقت معلوم  
شود، نه اینکه تمام قوانین برای تأیید



